

عنوان مقاله: جنگ نزد عرب پیش از اسلام

نویسنده: سجاد دادفر

منبع: فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ

سال اول شماره اول ، پاییز ۱۳۹۵،

صص ۴۴-۱۹

چکیده

- ایام العرب ها به عنوان بخشی از تاریخ عرب، همواره مورد توجه مورخان تاریخ اسلام و عرب قرار داشته و بخشی از مطالعات آنان را تشکیل داده است. اما در این میان توجه اصلی این مورخان بر جنبه های ادبی و بلاغی آن بوده و کمتر به بررسی مقوله و مفهوم جنگ نزد قبایل عرب بیابان گرد پرداخته اند.

- این در حالی است که با بررسی شرایط جغرافیایی و نظام قبیله ای موجود در شبه جزیره عربستان پیش از اسلام، جنگ به عنوان واقعیتهی انکار ناپذیر از حیات اجتماعی عرب تلقی می گردیده است. با توجه به خلاء پژوهشی موجود در این زمینه، این پژوهش بر آن است تا با بررسی زمینه های جامعه شناسی ایام العرب ها، مسئله جنگ را نزد اعراب (عرب بادیه نشین) پیش از اسلام مورد پژوهش قرار دهد.

شرایط جغرافیایی و نظام قبیله
ای موجود

- فرضیه این پژوهش آن است که به نظر می رسد **اعراب، فراسوی نگاه اقتصادی به جنگ جهت تامین معیشت خود، آمال دیگری را در آن جست و جو می کردند.** آنان جنگ را نه تنها نوعی راهزنی و دزدی به حساب نمی آوردند، آن را همچون ورزشی محبوب که در آن قهرمانان قبیله از جایگاه والایی برخوردار بودند می نگریستند، ضمن آن که برتری طلبی، کسب افتخار و شرافت، شجاعت، جوانمردی و در نهایت سعادت خود را در آن جست و جو می کردند

واژه های کلیدی:

- عربستان، اعراب، اهملت، ایام العرب، جنگ

مقدمه



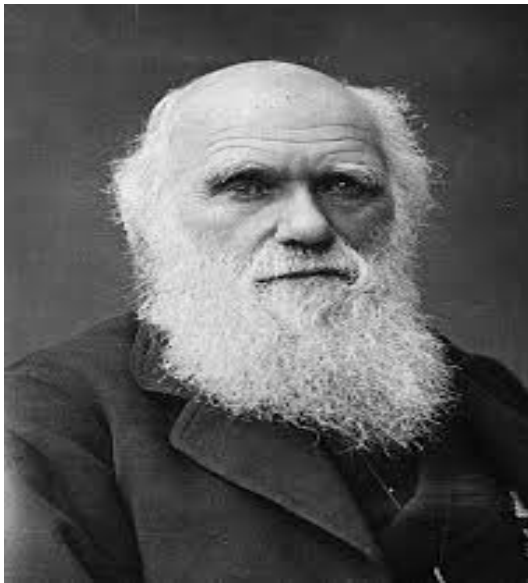
دورکیم

• اگر چه بر اساس مرزبندی بین علوم چنین به نظر می رسد که بررسی پدیده های اجتماعی در حوزه مطالعات اجتماعی قرار می گیرد، اما تردیدی نیست که تحلیل هر پدیده اجتماعی از حیث علل وقوع و تاثیرات آن در ابعاد مختلف نیازمند ریشه یابی و بررسی تاریخی آن است. به قول دورکیم جامعه شناس نامی، جامعه شناسی به صورتی دیگر بیان تاریخ است. تبیین واقعه اجتماعی با هر درجه از پیچیدگی زمانی ممکن می شود که تکامل آن را در جوامع مختلف مقایسه کنیم و این کار با کمک تاریخ شکل جامعه شناسی مقایسه ای می گیرد. جامعه شناسی مقایسه ای خود جامعه شناسی است (دورکیم، ۱۳۶۲، ۱۶۶)

- در این بین از جمله پدیده های اجتماعی که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی گسترده ای دارد، پدیده جنگ است . جنگ از موضوعاتی است که همواره مورد توجه مورخان و جامعه شناسان قرار داشته و در مطالعاتشان از پایگاه ویژه ای برخوردار بوده است.

- تردیدی نیست که مبارزه، خشونت و در نهایت سازماندهی هیجانات و نزاع های جمعی در قالب جنگ های مکرر در طول تاریخ بشری ماحصل طغیان غریزه زیاده خواهی انسان بوده است. میل به قدرت، برتری طلبی، توفق اقتصادی و نظامی و موارد متعدد دیگر از جمله مصادیق این زیاده خواهی بشری در بستر زمان محسوب می گردند.

سازماندهی هیجانات و نزاع های جمعی



• اگرچه خرد ادمی همواره انسان را به اجتناب از خشونت و جنگ دعوت نموده‌ف بررسی رفتار خصومت آمیز انسانی نشان می‌دهد که این رفتار تا حد زیادی تحت تاثیر عوامل غریزی بوده است. این گونه رفتارهای پرخاشگرانه را نزد حیوانات نیز می‌توان مشاهده کرد. داروین جنگ و نزاع بین حیوانات و جانوران متفاوت، در ارتباط با نیازهای مادی و اساسی حیوان یعنی غذا است (ادیبی، ۱۳۷۰، ۸)

چارلز داروین

- از دیدگاه داروین جنگ بین انواع حیوانات منجر به انتخاب اصلح و تکامل برخی از انواع آنان گردیده است و بر همین اساس جامعه شناسانی مانند گالتن که متأثر از زیست شناسی داروین هستند، مکتب سوسیال داروینیسم اجتماعی را مطرح و علت به وجود آمدن نابرابری های اجتماعی را در عوامل طبیعی و زیستی دانسته اند. (و ثوقی و نیک خلق، ۱۳۷۳، ۲۴۳)



امر طبیعی و فطری

• ابن خلدون حس انتقام جویی در وجود انسان ها و تعصب و پافشاری آنها بر این امر را از دلایل وقوع جنگ می داند. پس چون بر این امر تصمیم گرفتند قبیله ای به ادعای خون خواهی و انتقام و قبیله ای دیگر برای دفاع از خود وارد جنگ می شوند(ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۲۷۱/۱) همان گونه که گفته شد جنگ از ابتدای خلقت انسان و به عنوان **یک امر طبیعی و فطری** در جهان وجود داشته است. به عبارت دیگر شاید بتوان گفت که هیچ امنی در تاریخ خود از ان فارغ نبوده است.

- بر اساس مطالب فوق و با بررسی اجمالی تاریخ عنصر جاهلیت می توان اذعان داشت که جنگ جزء لاینفک زندگی اعراب بوده و آیینه ی تمام نمای جنگ های قبیله ای، بخشی از زندگی روزمره عرب را مصروف خود ساخته است(قائدان، ۱۳۹۰، ۷۳) دستیابی به آب، تصرف چراگاه ها، ثار و انتقام، قدرت نمایی، تفاخرات و رقابت های قبیله ای و دستیابی به غنایم، بخشی از دلایل این جنگ ها به حساب می آید (غدادی، ۱۴۰۵، ۲۴۶)

بخشی از زندگی روزمره عرب

- بر این اساس، بزرگ نمایی های قبیله ای و برجسته ساختن پیروزی ها و بی اعتبار کردن قبایل رقیب، ذکر شجاعت ها و دلاوری های پهلوانان این عرصه و گزارش مبالغه آمیز این ایام در قالب روایات شفاهی برد که با عنوان اخبار ایام العرب مورد توجه راویان قرار گرفت(علی، ۱۳۸۰، ۲۴۷/۴)

اخبار ایام العرب

- نکته قابل توجه در مورد ایام العرب ها این است که بسیاری از آثاری که در این زمینه نوشته شده عمدتاً ایام العرب ها را در قالب بررسی جنبه های فنی شعر عرب محدود نموده و چندان به ایام العرب ها را در قالب بررسی جنبه های فنی شعر عرب محدود نموده و چندان به اصل موضوع یعنی جنگ و گستره ی آن توجهی نداشته اند. از سوی دیگر پژوهشگران نیز که از زاویه جنگ به آن توجه داشته اند.

جنبه های فنی شعر عرب

- در بررسی های خود عمدتاً تفاوتی میان عرب بدوی و شهرنشین قایل نبوده اند. در حالی که عرب های شهرنشین از یک ساختار اولیه نظامی برخوردار بودند، قبایل بادیه نشین که اصطلاحاً تحت عنوان اعراب از آنان یاد می شود **فاقد هر گونه تشکیلات منظم نظامی بوده**، همین مساله می تواند بررسی مسئله جنگ نزد قبایل عرب بادیه نشین را به عنوان یک موضوع پژوهش در دستور کار محقق قرار دهد. مسئله ای که اساس پژوهش حاضر را تشکیل می دهد.

تعریف جنگ و جایگاه آن در متون مقدس



گاستون بوتول

- گاستول بوتول نظریه پرداز مشهور جامعه شناسی جنگ که واژه جنگ شناسی را برای اولین بار پیشنهاد کرد در تعریف جنگ می گوید: جنگ مبارزه ای است مسلحانه و خونین که طرفین و گروه های درگیر از سازماندهی برخوردارند (هاوارد، ۱۳۷۷، ۶۸) کوینی رایت جنگ را این چنین تعریف کرده است: جنگ می تواند نزاع همزمان میان نیروهای مسلح، احساسات مردمی، تعصبات حقوقی و فرهنگ های ملی تلقی شود (بوتول گاستون، ۱۳۶۸، ۳۳)



هگل

• برخی از متفکران هر نوع محدودیت و عدم ارضاء خواسته های طبیعی و غریزی آدمی را که منجر به ایجاد محدودیت برای وی گردد، منشا جنگ و پرخاشگری دانسته اند؛ به عنوان مثال هگل جنگیدن را بیشتر عمل اخلاقی می داند که در تاریخ، حقیقت آزادی توسط جنگ تحقق می یابد. وی معتقد است که جنگ مرحله ای است که تعالی انسان شهروند در برابر دنیای نیازمندیهای وی (جهانبگلو، ۱۳۶۸، ۸۰-۹۲) در اندیشه مارکس نابرابری های اجتماعی و جنگ های طبقاتی درون جامعه و حتی جنگ های تاریخی بین دولت ها به دلیل رقابت های اقتصادی ومالکیت های فردی در ابزار تولید بوده است (انگلس، ۱۹۷۱، ۱۴۷)

- قدیمترین روایات در متون مقدس درباره جنگ به روایاتی از سفر تکوین (پیدایش) در عهد قدیم بر می گردد(درداکه، ۱۹۹۸، ۱۱۵) در آیات قرآن کریم، نیز این موضوع با بیان داستان کشته شدن هابیل به دست قابیل (فرزندان آدم) مورد توجه قرار گرفته است. «نفس سرکش، کم کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد، او را کشت و از زیانکاران شد» (مائده، ۳۰)

نفس سرکش



آرنولد توین بی

- توین بی با اشاره به این داستان می نویسد : «هابیل چوپان بود و قابیل کشاورز، هابیل گوسفندی را برای رضای خداوند قربانی کرد. پس خداوند قربانی اش را از او پذیرفت و قابیل آن چه را از زمینش می روید تقدیم کرد؛ ولی از او پذیرفته نشد. قابیل کشاورز از هابیل چوپان کینه به دل گرفت و او را کشت. توین بی این داستان را به عنوان دلیلی بر آغاز جنگ میان افراد بیابان گردد و شهرنشین می داند. او بر خلاف نظریه ابن خلدون از این داستان نتیجه می گیرد که در پایان این جوامع مستقل و با فرهنگ پیشرفته هستند که بر مردم صاحب فرهنگ ساده و ابتدایی بیرون می شوند(مونس، ۱۹۸۱، ۱۹۷)

- واقعیت امر این است همان گونه که بیماری ها سلامت جسم و روان را تهدید می کنند، جنگ ها نیز می توانند به عنوان حوادثی ناگوار، آرامش و امنیت جامعه را به خطر اندازد. پس همان گونه که حفظ سلامتی امن ضروری و حتمی است. پرهیز از جنگ و خون ریزی نیز به نظر امری ضروری و لازم است، اما تصور جامعه ای آرام و فارغ از هر گونه جنگ از نزاع تقریباً امری محال و در تضاد با فطرت اشیا و خارج از قوانین آفرینش است (عون، ۱۹۶۱، ۲۵) گروهی از محققان و صاحب نظران جنگ را جزء طبیعت آدمی ندانسته، معتقدند که بروز این پدیده علت اجتماعی دارد و زندگی اجتماعی است که انسان ها را وادار به جنگ می کند

تضاد با فطرت اشیا و خارج از قوانین آفرینش

- . از آغاز خلقت و آفرینش انسان ها و موجودات توسط خداوند متعال، عشق به ثروت و آزادی به صورت فطری در نهاد آدمی وجود داشته است. افراد نیرومند همواره خواستار تسلط بر افراد ضعیف و ناتوان بوده اند و در مقابل عشق به بقاء و جاودانگی افراد ضعیف را وادار به دفاع از خود و مقاومت در مقابل زورمندان نموده است. از طرف دیگر اختلاف و تنوع سلايق، مذاهب، تمایلات و امیال آدمیان از دلایل دیگری است که آتش جنگ را همواره میان آنان روشن نگه داشته است. به نظر می رسد زمانی می توان از جهانی بدون جنگ یاد کرد که در آن اختلاف مذاهب، سلايق و خواسته های انسان در میان ملل و جوامع امروزی محو گردد.

اختلاف مذاهب، سلايق و خواسته های انسان

- خداوند متعال در آیات قرآن در این مورد می فرماید: «اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله ی بعضی دیگر دفع نمی کرد زمین را فساد در بر می گرفت» (بقره/۲۵۱) در جایی دیگر آمده است: اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله ی دیگر دفع نکند، دیرها، صومعه ها، معابد یهود و نصاری و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود ویران می گردد حج/۴۰)

- برخی زندگی بدون جنگ و دفاع را زندگی ای یکنواخت و بدون اثر می دانند. این دسته معتقدند تصور جامعه ای بدون شرایط و ابزار لازم برای جنگ احتمالی، تصور جامعه ای ضعیف و آسیب پذیر خواهد بود که روحیه شجاعت را به واسطه ی نداشتن انگیزه ی لازم از دست داده است و با از دست دادن این روحیه، قدرت دفاع از خود و ارزش های ذاتی ای چون خیر و امنیت بی معنا خواهد بود (عون، ۱۹۶۱، ۶۴)

بدون شرایط و ابزار لازم برای جنگ احتمالی

- بنابراین زمانی می توان از پایان جنگ و روز صلح و آرامش پایدار سخن گفت که اشیاء فطرت خود را از دست بدهند و انسان ها در همه آرزوهایشان یکسان شوند، اما به نظر می رسد این امر هماهنگ با آموزه های دینی هم نیست «و اگر پروردگارت می خواست همه مردم را یک امت قرار می داد ولی آنها همواره مختلفند مگر کسی را که پروردگارت رحم کند و برای همین آنها را آفرید» (هود، ۱۱۸، ۱۱۹)

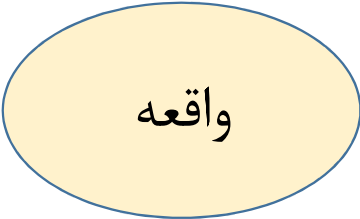
پایان جنگ و روز صلح و آرامش پایدار

- « جهاد در راه خدا بر شما مقرر شد در حالی که برایتان ناخوشایند است چه بسا که چیزی را خوش نداشته باشید حال آن که خیر شما در آن است» (بقره ۲۱۶) بر همین اساس است که به رغم تصویب بسیاری از قوانین و ارائه راه های مختلف، **جهان بشریت در ساخت جهانی عاری از جنگ و کشتار توفیق چندانی به دست نیاورده است** و از همین جاست که تلاشی برای جلوگیری از وقوع جنگ و کاهش عوارض دردناک و پیامدهای زیان بار آن، بیش تر از تصور جهان بدون جنگ است.

ایام العرب در لغت و اصطلاح

- اصطلاحی که مورخان و اخباریون برای جنگ های عهد جاهلیت انتخاب نموده اند، ایام العرب است. ابن سکیت، ایام را به معنی وقایع تفسیر کرده است، که خاص روزها، بدون ذکر شب ها است. وی در این باره می نویسد: ایام جمع یوم و روزهایی است که در آن وقایع مهم رخ داده است. در بیان این وقایع روز ها را به جای شب ها ذکر کرده اند چرا که جنگ هایشان در روز رخ می داد و اگر بر خلاف این بود از آن می شد، همان گونه که در شعری آمده است. «و شب آشیل چون گذشت (شب آشوب) جعفر قوم خود و رهط این شکل را فرا می خواند» (ابن منظور، ۱۹۵۶، ۶۵۱/۱۲)

- لغت شناسان به پیروی از این اطلاق و به استناد اشعار جاهلی یوم را به معنی واقعه نیز آورده اند و به نظر می رسد چنین اطلاقی در ادبیات اقوام سامی نیز سابقه داشته است (اصفهانی، ۱۹۶۳، ۳۲۱/۲)



واقعه

- بخش عغمده ای از این ایام را درگیری های قبیله ای شکل می داد که به سرعت و به بهانه های واهی شعله ور می شد دو به اتمام می رسید و غالبا از یک روز تجاوز نمی کرد. بر همین اساس، کل آن روز را به همان نام می نامیدند و نیز گفته اند منظور از ایام الوقایع، روزهایی است که آن قبایل بر دشمنانشان پیروزی می یابند(ابن منظور، ۱۹۵۶، ۶۵۲/۱۲) در برخی از اشعار به معنای وقت شدت آمده است و همچنین برخی یوم را مثل **یک رمز تاریخی** دانسته اند که اعراب زمان را با آن ثبت می کرده اند(معمر بن مثنی، ۱۴۰۷، ۱۶)



فرانتس روزنتال، اسلام شناس

دویست سال قبل از بعثت

• در مجموع ایام را به ملاحم (منظومه) و روایاتی که مضمون آن حیات فرهنگی یا نظامی عرب را در دویست سال قبل از بعثت در بر می گرفت، اطلاق کرده اند. شعرای عصر جاهلی، در اشعار خود از کلمه یوم، بهره ای فراوان برده اند. به گفته جادالمولی، ایام العرب در عصر جاهلی، منبعی شایسته از منابع تاریخ و سرچشمه ای زلال از چشمه های ادب و نمونه ای ظریف از انواع داستان و قصص است که از شعر و نثر بهره برده است (المولی، بی تا، ۲۸/۱) به گفته روزنتال، ایام العرب شکل سامی کهن دارد.

- در واقع همین شکل است که در قدیمی ترین بخش های تاریخی انجیل، ظاهر می شود و در آنجا احتمال دارد روایت رویادهای تاریخ، به شوه ای نه چندان منسجم با شعری که در آن روز سروده است، در پیوند باشد یا صحنه ی نبردی در تصنیفی مختصر که به تمجید دستاوردهای جنگجویی، به زیان رزم آوری دیگر می پردازد، به اوج خود برسد(روزنتال، ۱۳۶۶، ۳۱-۳۲)

- ایام العرب که از دیرباز تا اوایل عصر اسلامی سینه به سینه نقل می شد، مهم ترین منبع تحقیق درباره حیات مادی و معنوی عرب جاهلی، از شیوه زندگی و جنگ و صلح گرفته تا افکار و عقاید، روابط اجتماعی و مسائل استقرار و کوچ نشینی به شمار می رود.

مسائل استقرار و کوچ نشینی

- عرب پیش از اسلام افزون بر اینکه پیرو هیچ نظام و آیین و قانون مدون و معینی نبود و به اقتضای شرایط دشوار زندگی در عربستان شمالی، معیشت خود را غالبا از راه تهاجم و غارت تامین می کرد، بسیاری از علایق و روابط و عصبیت های قومی و شخصی نیز در آن روزگار می توانست موجب کین ورزی ها و شعله ور شدن آتش جنگ گردد. (ابن عبد ربه، ۱۴۰۲، ۲۹۳)

علایق و روابط و عصبیت های
قومی و شخصی

شرایط دشوار زندگی در عربستان شمالی

- عرب این حوادث جنگی را که غالبا به سرعت خاتمه می یافت و تنها یک روز به درازا می کشید، «یوم» می خواند. ایام با این ویژگی ها، همواره سینه به سینه در آن جامعه شفاهی، که زبان و حافظه از ابزارهای مهم ثبت و انتقال روایات تاریخی بودند، نشئت می شد و شعور بازماندگان را تحریک می کرد و به هیجان در می آورد. این درگیری بین قبایل عرب، بیانگر جنبه هایی از زندگی اجتماعی و مذهبی عرب قبل از اسلام نیز هست و اطلاعات مفیدی از انساب و نیز خصوصیات قبایل به دست می دهد.

ابزارهای مهم ثبت و انتقال روایات تاریخی

- این ایام به گفته ابوعبیده معمر بن مثنی در کتاب ایام العرب کوچکی که ابتدا تالیف کرد، هفتاد و پنج یوم و بر اساس کتاب بزرگتری که بعدا تالیف کرد، هزار و دویست یوم بوده است. ابوالفرج اصفهانی نیز هزار و هفتصد یوم به ثبت رسانده است. (المولی، بی تا، ۳۳/۱)

ابوعبیده معمر بن مثنی

انواع جنگ های اعراب

- جنگ نزد قبایل عرب پیش از اسلام به معنای متعارف جنگ در دنیای امروز نبرد معمولاً در یک تقسیم بندی کلی مجموعه ای جنگ های عرب پیش از اسلام را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول از این جنگ ها نزاع هایی بود که میان قبایل عرب شمالی و جنوبی با عدنانی و قحطانی اتفاق افتاد. در نتیجه ی مهاجرت قبایل ساکن و شمالی و جنوبی با عدنانی و قحطانی اتفاق افتاد. در نتیجه مهاجرت قبایل ساکن در جنوب عربستان به مناطق شمالی، مجموعه ای از جنگ ها میان این قبایل با اعراب شمالی اتفاق افتاده است. قبایل عدنانی به منظور رویارویی و مقابله با این قبایل گاهی اوقات اختلاف قدرتمندی را با هم پیمانان خود تشکیل می دادند.

مهاجرت قبایل ساکن در جنوب عربستان به مناطق شمالی

- ابوالمنذر هشام بن محمد بن سائب می نویسد: «هیچ اتحاد و حلفی میان قبایل عدنانی به وجود نمی آمد مگر اینکه سه تن از سران نامی و عمده آنان همواره در آن حضور داشتند و این افراد کسانی جز عامر، ربیع و کلیب نبودند. این سران سه جنگ عمده را علیه قبایل قحطانی اداره کردند. ظاهراً شهرت و محبوبیت کلیب به گونه ای بوده که در میان عرب قحطانی اداره کردند. ظاهراً شهرت و محبوبیت کلیب به گونه ای بوده که در میان عرب از آن به عنوان مثال یاد می شده است. «عزیز تر از ملیب وائل» او فرماندهی قبایل عدنانی را در **روز خراز** بر عهده داشته است (البیانی، ۲۷۷: ۱۹۷۶)

عامر، ربیع و کلیب

- دسته دوم از جنگ های عرب پیش از اسلام، نبردهایی است که میان قبایل عرب با دولت های ایران و روم رخ داده است معمولا در تاریخ عرب از این جنگ ها به عنوان مهم ترین، عظیم ترین و ماندگارترین جنگ ها یاد می شود(در ادکه، ۱۹۹۸، ۱۱۷) از جمله این جنگ ها که از ان به عنوان مشهورترین جنگ عصر جاهلیت یاد می شود «یوم ذی قار» است. مورخان این جنگ را، که میان اعراب و سربازان ایران در عصر حکومت ساسانیان اتفاق افتاد. به واسطه نتیجه آن مهم ترین جنگ عرب می داند.

که میان قبایل عرب با دولت های ایران و روم

- زیرا در این جنگ قبایل عرب برای نخستین بار به پیروزی رسیدند و همین پیروزی آنان را متوجه مرزهای ایران کرد: (طبری، ۱۳۷۵، ۷۶۲/۲-۷۵۵) از سوی دیگر قبایل وابسته به دولت حیره که دست نشانده ایران بودند را به قیام علیه رهبران خود برانگیخت.
- پیروزی اعراب در جنگ ذی قار (۶۱۰ میلادی) را می توان از جمله عواملی دانست که اعراب مسلمان را به فتح عراق تشویق کرد (نویری، ۱۳۶۷: ۴۰۵/۱۰-۴۰۲)

- اما نوع سوم از جنگ های عرب، که موضوع پژوهش حاضر را تشکیل می دهد، جنگ هایی است که بین قبایل مختلف به منظور تامین منافع خود واقع شده است. در این نوع جنگ ها گاهی دو قبیله با همدیگر و گاهی اوقات چند قبیله با استفاده از سنت حلف، ضمن تشکیل یک ائتلاف قبیله ای در مخالفان خود یورش می بردند.

تشکیل یک ائتلاف قبیله ای

- در مورد دلایل وقوع جنگ های داخلی میان قبایل عرب، اگر چه نظرات مختلف بیان شده است اما هیچ کدام از آنها خالی از اشکال نیست. چرا که دلایل وقوع این جنگ ها با توجه به ماهیت قبایل بدوی و خصوصیات فرهنگی - اجتماعی و اخلاقی آنان می توانست متعدد و متنوع باشد. گاهی اوقات چه بسا درگیری لفظی میان دو نفر می توانست به جنگی عظیم و گسترده تبدیل گردد. آتش با دو چوب شعله می گیرد و شروع جنگ و دشمنی سخن است. (دینوری، ۱۹۲۵، ۱۲۸/۱)

ماهیت قبایل بدوی و خصوصیات فرهنگی - اجتماعی و
اخلاقی آنان

دلایل وقوع جنگ های اعراب

- واقعیت امر آن است که اعراب بیابان گرد نیز همانند سایر مردم دارای آمال و خواسته هایی بودند که منجر به جنگ و کشتار می شد. علاوه بر آن به دلیل شرایط خاص شبه جزیره جنگ در میان قبایل عرب بیابان گرد امری اجتناب ناپذیر بود **زندگی در بادیه و ضرورت تعریف احشام و اغنام اقتضاء داشت در مکان هایی اقامت گزینند که از نظر زیستی شرایط برای آنها آماده باشد.** از آنجا که قانون مسلطی در آن جا وجود نداشت تا در یک تقسیم بندی از محیط بتواند تمام قبایل را راضی کند. مسلماً هر کدام قدرت بیشتری داشتند، زمین ها بیشتری را تصاحب می کردند. از این رو است که دایماً بین آنها برخورد روی می داد (جعفریان ۱۳۷۱، ۷۶)

- هر چند بسیاری از جنگ ها به منظور تحقق اهداف اقتصادی و متناسب با چارچوب سن های قبیله ای بود، اما با توجه به تکرار و تعداد جنگ های عرب بادیه نشین و مضمون برخی از شار، به نظر می رسد از دیدگاه آنان، این جنگ ها نه تنها نوعی راهزنی و دزدی به حساب نمی آمد، بلکه نوعی ورزش محبوب به شمار می رفت که در آن قهرمانان قبیله از جایگاه والایی برخوردار بودند. چنان چه القطامی شاعر در این باره سروده است: «از قبیله ضباب بر حلال یورش بردیم و با قبیله ضبه به چنگ پرداختیم و گاهی بر برادرمان بکر هنگام که کسی را نیافتیم تا با او بجنگیم در بین خود و با هم به نبرد پرداختیم» (حتی، ۱۹۶۵، ۱/۳۱.۱ مین ۱۹۶۵: ۹)

- زندگی اعراب بادیه نشین با توجه به ساختار نظام قبیله ای از ویژگی های خاص و گاه متناقض برخوردار بود ویژگی هایی چون سخاوتف جوانمردی، شجاعت و دغاع همسایه اگر چه به عنوان خصلت هایی پسندیده در میان آنان رایج بود، اما گاهی اوقات همین ویژگی ها آنان را به کشتن برادر و می داشت: «همسایه کشیم در حالی که قبر پدرم همسایه را امان می داد» (المرد، ۱۹۳۶ ۳۱۳/۱) گاهی ممکن بود همین انسان بدوی با چهره ای متفاوت و به عنوان یک مدافع عدالت و مخالف ستم خود را نشان دهد. قبیله ای که به هیچ بدهکاری خیانت نمی کند و به اندازه دانه خردلی به مردم ستم نمی کند(عون، ۱۹۶۱: ۳۴) به نظر می رسد

ساختار نظام قبیله ای

- این تناقضات در اخلاق و روحيات اعراب بدوی به واسطه شرایط سخت زندگی و طبیعت خشن منطقه عربستان بوده است. در این طبیعت، عرب بادیه نشین در آرامش بسان یک انسان و در انقلابش همچون یک حیوان درنده خود را نشان می دهد.

- ابن خلدون با اشاره به خصلت های اخلاقی و رفتاری اعراب در آستانه ظهور اسلام می نویسد:
اعراب آن عصر در یکی از مراحل ابتدائی تکوین خود به سر می بردند. طبیعت وحشیگری
ایشان آنها را به غارتگری و ویرانگری سو می داد. به هر کس و هر قبیله ای که می توانست می
تاختند و هر چه را می یافتند به تاراج می بردند. سپس به پناهگاه های دور از دسترس خود در
اعماق صحراها و دره ها می گریختند و اگر بر جایی دست می یافتند آن را به ویرانی می
کشاندند (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۲۸۵/۱)

مراحل ابتدائی

- تصویر این روحيات به شكل واضح و آشكار در اشعار عصر جاهلي خود را نشان مي دهد. شعر كه به نوبه خود متاثر از احساسات و ادراك شاعر است به عنوان ديوان عرب تا حد زيادي اين حقايق را بيان مي كند. (الزوزني، ۱۹۷۸، ۱۰۲)

احساسات و ادراك شاعر

- در واقع عرب بادیه نشین نمونه ی بارزی از انسانی است که طبیعت با بی رحمی و تحمیل شرایط خود، آن را به تمایز با جوامع انسانی دیگر سوق داده است. عمق این روحيات به گونه ای است که حتی با بعثت پیامبر(ص) و ظهور اسلام عرب نگران فراموش شدن این ارزش ها می شود. این نگرانی را در سخن برخی اعراب تازه مسلمان شده ایم توان به خوبی دید: «امیدوارم که با مسلمان شدنمان سخاوت نیکان خود را فراموش نکنیم». نویری با اشاره به این مسئله می نویسد: به یکی از صحابه رضی الله عنهم گفته شد در مجالس خود هر گاه خلوت می کردید درباره چه گفتگو می کردید؟

• گفت شعر می خواندیم و گاه اخبار دوره جاهلی خود را نقل می کردیم یکی دیگر گفته است دوسن می داشتم که همراه با اسلام مکارم اخلاقی نیاکان خود در دوره جاهلی را رعایت می کردیم، نمی بینی که عنتره بن الفوارس با آنکه شاعر جاهلی است و دین ندارد از مکارم اخلاقی خود پاسداری می کند و حسن بن هانی ا آنکه شاعر اسلامی است از آیین خود پاسداری نمی کند.

- عنتره چنین می گوید: «اگر زن همسایه من برای من آکار شود چشم خویش را فرو می بندم تا آنکه بتواند خود را بپوشاند و حال آنکه حسن بن های ابونواس چنین می گوید: گویی جوانی مرکب نادانی است که خنده ها و شوخی را تحسین می کند و جوانی در حالی که مردم خفته ند مرا برانگیزاننده است تا آنکه به جای شوهر قرار می گیرم (نویری، ۱۳۶۷، ۳۱۶-۳۱۵) آیا نمی بینی سخاوت عنتره که در عصر جاهلیت فرد بی دینی بود، او را از چیزی منع کرد که دین حسن بن هانی که فردی مسلمان و دین دار بود و او را از آن منع نکرد (ابن عبد ربه، ۱۹۵۳، ۲۲/۶)

- همان گونه که بیان شد به نظر می رسد نمی توان دلیل وقوع همه جنگ های عرب پیش از اسلام را فقط فقر و گرسنگی دانست زیرا در نظام قبیله ای آنچه که مهم تر از غنایم و منافع اقتصادی است رعایت ارزش ها و اصول حاکم بر این نظام و تلاش در جهت به کرسی نشاندن سخن و گفته خویش است . ابن خلدون در این باره می نویسد: قوم عرب همه ریاست طلبند. هر یک از آنان خود را شایسته ریاست بر قوم و قبیله اش بود، می نهاد. از این رو شما روسا و امرا در میان آنان بسیار بود و اختلاف و رقابت این ریيسان و امیران کار مردمان را تباه می کرد. آنان نافرمان ترین اقوام بودند و این هم از خشونت در رفتار و خود بزرگ پنداری ایشان نشأت می گرفت (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۲۸۷/۱)

- تصویر این روحیات به شکل واضح و آشکار در اشعار عصر جاهلی خود را نشان می دهد. شعر که به نوبه خود متاثر از احساسات و ادراک شاعر است به عنوان دیوان عرب تا د زیادی این حقایق را بیان می کند (الزوزنی ، ۱۹۸۷ ، ۱۰۲)
- در واقع عرب بادیه نشین نمونه بارزی از انسانی است که طبیعت با بی رحمی و تحمیل شرایط خود، آن را به تمایز با جوامع انسانی دیگر سوق داده است. عمق این روحیات به گونه ای است که حتی با بعثت پیامبر (ص) و ظهور اسلام، عرب نگران فراموش شدن این ارزش ها می وشد. این نگرانی را در سخن برخی اعراب تازه ملسمان شده می توان به خوبی دید: «امیدوارم که با مسلمان شدنمان سخاوت نیاکان خود را فراموش نکنیم» نویری با اشاره به این مساله می نویسد: به یکی از صحابه رضی الله عنهم گفت در مجالس خود ر گاه خلوت می کردید درباره چه گفت و گو می کردید؟ گفت شعر می خواندیم و گاه اخبار دوره جاهلی خود را نقل می کردیم. یکی دیگر گگفته است دوست می داشتیم ه همراه با اسلام مکارم اخلاقی نیاکان خود در دوره جاهلی را رعایت می کردیم، نمی بینیم که عنتره بن الفوارس با آنکه شاعر جاهلی است و دین ندارد از مکارم اخلاقی خود پاسداری می کند و حسن بن هانی با آنکه شاعر اسلامی است از آیین خود پاسداری نمی کند. عنتره چنین می گوید: «گوزن همسایه من برای من آشکار شود چشم خویش را فرو می بندم تا آنکه بتواند خود را بیوشاند و حال آنکه حسن بن هانی ابنواس چنین می گوید:
- گویی جوانی مرکب نادانی است که خنده ها و شوخی را تحسین می کند و جوانی در حالی که مردم خفته اند مرا برانگیزاننده است تا آنکه به جای شوهر قرار می گیرم (نویری، ۱۳۶۷ ، ۳۱۵-۳۷۶) آیا نمی بینی سخاوت عنتره که در عصر جاهلیت فرد بی دینی بود او را از چیزی منع کرد که دین حسن بن هانی که فردی مسلمان و دین دار بود او را از ان منع نکرد (ابن عبدربه ، ۱۹۵۳ : ۲۲/۶)

- همان گونه که بیان شد به نظر می رسد نمی توان دلیل وقوع همه جنگ های عرب پیش از اسلام را فقط فقر و گرسنگی دانست. زیرا در نظام قبیله ای آنچه که مهم تر از غنایم و منافع اقتصادی است رعایت ارزش ها و اصول حاکم در این نظام و تلاش در جهت به کرسی نشاندن سخن و گفته های خویش است. ابن خلدون در این باره می نویسد: قوم عرب همه ریاست طلبند. هر یک از آنان خود را شایسته ریاست بر قوم خود می دانست و کمتر کسی از آنان سر به فرمان دیگری هر چند پدر یا برادر یا بزرگ قوم خود می دانست و کمتر کسی از آنان سر به فرمان دیگری هر چند پدر یا برادر یا بزرگ قوم و قبیله اش بود، می نهاد. از این رو شمار روسا و امرا در میان آنان بسیار بود و اختلاف و رقابت این ریيسان و امیران کار مردمان را تباه می کرد. آنان نافرمان ترین اقوام بودند و این هم از خشونت در رفتار و خودبزرگ پنداری ایشان نشأت می گرفت. (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۱/۲۸۷)

- برتری طلبی و کسب افتخار و شرافت باعث می شد که گاه بهانه های بسیار پوچی جنگی دراز مدت آغاز گردد همچنان که در علت شروع یکی از جنگ های فجار گفته شده: مرد یاز قبیله بنی غفاریه بازار عکاظ آمده، پس از رجزخوانی گفت: من عزیزترین فرد عرب هستم هر کس قبول ندارد پای مرا با شمشیر بزند. مردی از بنی قشیر پای او را مجروح کرد و همنی علت بروز جنگ فجار دوم شد. (اصفهانی، ۱۹۶۳: ۴۰/۵-۳۴)

- در علت شعله ور شدن جنگ تغلب و بکر گفته شده ملیب بن ربیعہ از تغلب به همسرش گفت: از من در میان عرب بهتر می شناسی ؟ او پس از اصرار شوهرش گفت: آری برادرانم جساس و همام. از آن پس او به جهت همین گفتارچندی نزدیکیان جساس را اذیت کرد تا بالاخره خود به دست جساس کشته شد. و پس از آن جنگ بین تغلب و بکر شروع و چهل سال طول کشید(همان)

تغلب و بکر

تجلی جنگ در ادبیات عرب

- اهمیت قایل شدن عرب جاهلی به ارزش هایی چون شجاعت جنگاوری و بیان افتخارات باعث گردیده تا ایام العرب ها از یک ادبیات عامه پسند امری برخوردار باشند. به عبارت دیگر ادبیات عرب پیش از اسلام به شدت متأثر از این جنگ ها است. چرا که هر واقعه ای ادبیات شعر، نثر و قهرمان مخصوص خود را دارد. یکی از وقایع کوچک و در عین حال نمونه دراین مورد «یوم الظعینه» است. این واقعه داستانی درباره ربیعہ بن مکدم یکی از شعرای عصر جاهلیت است.



درید بن الصمه

• او در نبردی جانانه موفق شد سه تن از سواران عرب را به قتل برساند. قبیله مقتولان به تلافی، در صدد تعرض به همسر وی در آمد اما «درید بن الصمه» که او نیز از سواران و شعرای معروف است با سپاهی به کمک وی شتافت و او را به خاطر شجاعت و جوانیش از گرفتاری نجات داد و چون نیزه ربیعه شکسته یافت، نیزه خود را به او بخشید همسر ربیعه این احسان و فداکاری را به خاطر سپرد.

- پس از مرگ ربیعه زمانی که درید بن الصمه اسیر قوم وی شد او با یادآوری لطف درید رد یوم الظعینه زمینه آزادیش را فراهم نمود و به او احترام بسیار گذاشت. (العقد الفرید، ۱۴۱۱: ۸۳/۱ ، ۸/۳ ، ۳۹/۶ انعکاس یوم الضعینه در ادبیات عرب پیش از اسلام نشان می دهد که راویان و شعرای قبیله همواره از شجاعت و دلاوری های ربیعه بن مکدم به عنوان یکی از افتخارات خود یاد کرده اند. بنابراین شعرا نقش بسزایی در اشاعه و روش ایام العرب ها داشتند. زیرا از افتخارات قبایل محسوب می شد.

یوم الضعینه

• روزنتال در این زمینه می نویسد: شاید ارجاع به نمونه های ادبیات ایام در کتاب مقدس به روشن شدن جایگاه نسبی شعر و نثر در قصص ایام العرب نیز مدد رساند. در آنها شاعاری یافت می شود که زبان شناسان نه تنها به داستان های برآمده از ان اشعار، بلکه در اصل به شکل ادبی آنها به عنوان عنصری ضروری توجه دارند. اگر شعری به رویدادی مربوط نبود یا اگر به تاریخی قدیمی ربط پیدا نمی کرد هیچ کوششی در جهت حفظ آن رویداد برای آیندگان به عمل نمی آمد. جوهر قصص ایام العرب بیش از آن که به مفهومی محدود به تاریخ مربوط باشد. به حوزه ادبیات متعل بود. چنین قصصی عمدتاً در خدمت ایجاد نفس و سرگرمی و لذت عاطفی بخشیدن به شنوندگان قرار داشت (روزنتال، ۱۳۶۶، ۳۳-۳۲)

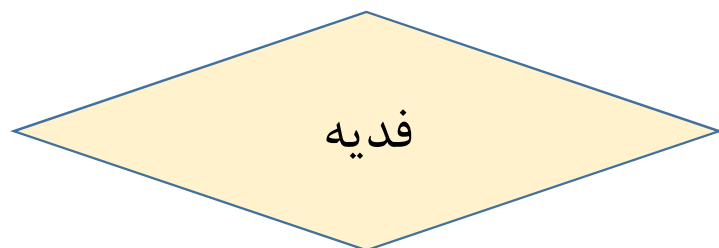
- در واقع روایات اغزاق آمیز بر اشعار حماسی مربوط به ایام العرب ها موضوع عمده شب نشینی اعراب را به خود اختصاص می داد. علاقه مندی آنان به این موضوع باعث گردید تا به تدریج برخی از اعراب ایام الرعب ها را به عنوان وقایعی مادی بلکه به عنوان آثار حمسی جامعه عرب یاد کنند. **به عبارت دیگر آنان بر این باور بودند که ایام العرب استمرار حماسه های قبلی ساسانیان در سرزمین بین النهرین و دیگر سرزمین های قوم سامی است.** حماسه هایی چون گیلگمش که قبلا در میان اقوام سامی رخ داده بود. (وزراه الثقافیه، ۱۹۶۸، ۲۱۲)

- دردا که در این زمینه می نویسد: آن چه مسلم است در بیان این وقایع مطلبی غلو آمیز در وصف قهرمانان بیان می شود که چندان عجیب به نظر نمی رسد. زیر شرح ایام العرب ها موضوع اصلی مجالس و شب نشین های عرب را تشکیل می داد که به تدریج با نفوذ احساسات قومی و تعلقات عاطفی به آن به اسطوره های قومی و ملی تبدیل شد. اما آنچه اساطیر ملل باستانی را از ایام العرب سامیان متمایز می سازد . آن است که هسته اصلی حماسه های عربی را واقعیت و نه خیال تشکیل می دهد. بر این اساس نمی توان جنگ های چون ذی قار، فجار یا بعث را با افسانه گیلگمش یا برخی از داستان های ادیسه و ایلید مقایسه نمود.

اساطیر ملل باستانی

- جنگجویان قبیله دیگری بود که به منظور غارت اموال و اشیاء ارزشمندی همچون زیورآلات زنان انجام می گرفت. در این نوع جنگ ها تلاش بسیاری می شد تا کسی از جریان آن اطلاع نیافته و به صورت ناگهانی اتفاق افتاد. احمد امین در این مورد یم نویسد: به طور کلی زندگانی بادیه، زندگانی زد و خورد است و به همین جهت عرب بدوی طبعا به شرایط چنین زندگانی مجهز است. جنگجویی بی باک، تیراندازی ماهر و سواری چالاک است. ولی بدوی طبعا فاتک است. یعنی کمین کردن و به اغفال کشتن را بر مواجهه ترجیح می دهد. (امین، ۱۳۳۷، ۲۳۱)

- مردانی که در این جنگ ها اسیر می شدند، از طریق فدیة ای که برای آزادی آن ها پرداخت می شد منبع درآمد جویی برای قبیله مهاجم بودند، این نوع جنگ ها بیشتر متناسب با ساختار اجتماعی قبیله بود.. اعراب در عصر جاهلیت، فاقد تشکیلات منظم سپاه و ارتش بودند.



• **منظور از ارتش و سپاه در مقایسه سپاه ابتدایی عرب های شهرنشین سپاه ایران و روم است.** زیرا نظام قبیله ای با توجه به شیوه زندگی، شرایط اقتصادی و دیگر ویژگی های آن قادر به تشکیل ارتش منظم و دائمی نبود. به همین دلیل در ساختار نظام قبیله ای زمانی که جنگی رخ می داد یا فراخوانی برای حمله داده می شد هر کس که توانایی حمل اسلحه داشت برای دفاع از قبیله یا حمله به قبیله دیگر آماده می شد. این مسئله یکی از دلایلی بود که اعراب برای پسران جایگاه شایسته تری نسبت به دختران قایل بوده، آنان را ترجیح می دادند. خداوند متعال نیز در آیاتی از قرآن این مسئله را تایید می فرماید (نحل، ۵۸/۵۹)

- برای اینکه حملات با موفقیت بیشتری همراه گردد اعراب تلاش می کردند تا همه ی زمینه های موفقیت نظیر گردآوری اطلاعات اولیه در مورد دشمن، تعداد نیروهای مهاجم، تجهیز نیروها و مناسب ترین زمان برای حمله را فراهم آوردند. اعراب برای این منظور گاهی اوقات از ترفندهایی همچون استتار، فریب دشمن، ارائه اطلاعات غلط و نظاهر به آنچه که غیر واقعی بود، استفاده می کردند. «و قوم از حمله چیزی نفهمیدند تا ان هنگام که نور آفتاب همه جا را پر کرده» (خفاجی، ۱۹۸۶، ۸۴) و نفهمدیند تا ان هنگام که خانه های آنها را پر کردیم و در پنهانی تمام اموالشان را تصاحب نمودیم» (همان ۸۶)

- وسایلی نظیر شمشیر، خنجر، نیزه و کمال بود همان گونه که بیان شد در این گونه جنگ ها حملات اعراب به شکل چنگ و گریز و به صورت ناگهانی بود و خیلی سریع به پایان می رسید. به همین دلیل قبایل عرب توانایی رویارویی با ارتش منظم و با برنامه را نداشته، به محض شروع جنگ پا به فرار می گذاشتند

- و ضمن مخفی شدن در بیابان ها «حمله و گریز» را این چنین توصیف می کند: « در ریش جنگی حمله و فرار، شدت زیان و همچنین شکست جنگ های دیگر دیده نمی شود. جز این که آنها در پست سر خود سنگر محکمی را قرار می دادند که پس از حمله به سوی آن می گریختند و در پست آن سنگر می گرفتند و به ناگهان دوباره حمله می نمودند اعراب بدوی در این جنگ ها در مهارت های فردی در به کارگیری اسلحه، نسلط در سوارکاری و توانایی جسمانی جنگجوی سواره و پیاده تکیه می کردند. ابن خلدون (۱۳۷۵: ۲۸۷/۱)

نسلط در سوارکاری و توانایی جسمانی جنگجوی سواره و
پیاده



• در اکثر اشعار جاهلی نمونه های زیادی از غلو شاعران در توصیف قهرمانان و ویژگی های آنان در هنگام جنگ و نبرد دیده می شود بررسی محتوی و مضمون اشعار جاهلی در این اشعار مشخص می شود که اکثر این حملات صبحگاه اتفاق می افتاده است همچنان که معقر بن اوس بن حمار بارقی «هم پیمان قبیله بنی نمیر بن عامر» می گوید: هنگام طلوع آفتاب آنها را با گردن هایی چون ستون های پت سر هم بیدار کردیم شب هنگام بر آنها حمله بردیم به گونه ای که صبحدم با صدای ما بیدار شدند (الآغانی ۱۹۶۳: ۱۱/۱۶۲-۱۶۰)

معقر بن اوس بن حمار
بارقی

- اما نوع **دوم** از جنگ های قبیله ای، در میان اعراب بادیه نشین جنگ هایی است که در آن عوامل و علل دشمنی میان دو قبیله آشکارتر است. در واقع این دسته از جنگ ها، جنگ هایی هستند که به واسطه اختلافات و دشمنی های گذشته میان دو قبیله اتفاق می افتاد. در این دسته از جنگ ها پس از آن که هیچ یک از تلاش ها جهت میانجی گری و حل اختلاف به جایی نمی رسید هر کدام از دو قبیله آماده جنگ می شدند. **البته سبک و سیاق این جنگ ها جز در این جنگ های توافقی، تقریبا شبیه جنگ های ناگهانی بود.**

- در جنگ های توافقی پس از این که دو قبیله در مقابل هم قرار می گرفتند. هر یک از اسلحه هایی چون شمشیر، نیزه و تیر و کمان استفاده می کردند. همچنین به منظور دفاع، از ابزاری نظیر سپر و چرخ دنده های مخصوص بهره می بردند. این جنگ ها در مقایسه با حملات غافلگیرانه شدت و جسارت بیشتری داشتند. در این نوع جنگ ها آمار کشته شدگان بر زخمی ها نسبت به جنگ های قبلی بیشتر بود و عمدتاً بین قبایل هم پیمان با مصالح مشترک علیه قبایل مخالف صورت می گرفت (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲۹۱/۱)

سپر و چرخ دنده های مخصوص

- در تمامی جنگ های قبایل عرب، تهییج و تشویق مبارزان و جنگجویان نقش مهمی در پیروزی آنان داشتند. شعر را اگر زنان بخوانند همچون جادویی عمیق تاثیرگذار خواهد بود. این مسئله در جریان نبردهای مشرکین با پیامبر اسلام (ص) نیز ادامه یافت. به گونه ای که در غزوه احد حضور زنان در جنگ و تشویق مردان از سوی ایشان بسیار پر رنگ بود.

تهییج و تشویق مبارزان و جنگجویان

- واقعی در این مورد می نویسد: مشرکین به هر منزل می رسیدند زنان در حالی که با خود دف و دایره داشتند. بیرون آمده و مردان را به تحریص کرده و کشته شدگان بدر را یاد می کردند (واقعی، ۱۳۶۹، ۵۰) با شروع جنگ احد، فعالیت زنان نیز بیشتر گردید به گونه ای که **هند همسر ابوسفیان** در حالی که میان لشکر می گردید و **شعر می گفت مردم را به جنگ تحریص می کرد(ابن هشام ۱۳۷۷: ۶۵۵/۱)**

- اما به طور کلی شعر عصر جاهلیت سر زندگی و مقامش را مدیون طبیعت دوران جاهلیت است به رغم این که جنگ بدون هیچ طرح از پیش آماده ای رخ می داد اما اعراب از نیرنگ جاسوسی، کمین و استفاده درست از فرصت ها غافل نبودند. آنان همیشه این قول حکما را الگو قرار می دادند که «فرصت را غنیمت شمار چرا که آن یکبار اتفاق می افتد و در هر چیزی اول باش و نه آخر و تو را بر حذر می دارم از ناتوانی و درماندگی چرا که آن پست ترین جایگاه و بدترین باور است، تکیه بر نیرنگ در جنگ حتی در ضرب المثل های اعراب جاهلی نیز راه یافته بود **صاحب نیرنگ برتر از یک قبیله است**» (ابن عبدربه، ۱۴۱۱: ۷۱/۱ - ابن اثیر، ۱۹۶۸: ۲۸۵/۱)

- همان گونه که بیان شد اعراب عصر جاهلی در جنگ ها از جاسوسی و تجسس استفاده می کردند و از زنان و مردن برای گردآوری اخبار دشمن بهره می بردند. آنان اغلب در تبادل اخبار و انتقال اطلاعات مورد نظر از رمزگذاری مخصوص استفاده می کردند.

- ابی عبیده در کتاب الایام خود ضمن اینکه از رموز و علایم به عنوان ویژگی حماسه ها و اسطوره ها نام می برد می نویسد که اعراب در جنگ های خود از این رموز برای در امان ماندن از دشمن استفاده می کردند. (ابو عبیده، ۱۵۰۷: ۱۱۶) ادبیات عصر جاهلی صفات و ویژگی های ممتازی را بیان می کند که اعراب به واسطه آن به پیروزی می رسیدند. صبر، سخاوت و شجاعت از جمله صفاتی است که بر زبان شاعران و خطیبان این دوره تکرار می شود.

ابن خلدون در این باره می گوید:

- «بادیه نشینان به سبب جدایی از اجتماعات بزرگ و تنها به سر بردن در نواحی دور افتاده و دور بودن از نیروهای محافظ و نگهبان و نداشتن باره ها و دروازه ها به خودی خود عهده دار دفاع از جان و مال خویشند و آن را به دیگری واگذار نمی کنند و به هیچکس در این باره اعتماد ندارد از این رو پیوسته مسلح و مجهز می باشند و در راه ها با توجه کامل به همه جوانب می نگرند مگر خواب اندکی در همان جایگاهی که نشسته اند و بر بالای جهاز شتران هنگام مسافرت همواره با کنجکاو۱ دقیق به هر بانگ آهسته یا غرش سهمناکی که از دور می شنوند گوش فرا می دهند و در دشت های خشک و صحرای وحشتناک با آنکه به دلاوری و سرسختی و اعتماد به نفس خویش تنها سفر می کنند.

- چنان که گویی سرسختی ایشان و دلاوری و محبت، سرشت آنان شده است و همین که موجبی پدید آید یا بانگی برخیزد و آنان را به یاری طلبد بیدرنگ به سوی آن می شتابند و هیچ گونه هراس به خود راه نمی دهند (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲۳۵/۱)

- قبیله مهاجم قبل از شروع جنگ فردی را که می توانست اخبار جنگ را بفهمند. به میان قبیله دشمن می فرستادند تا اخبار لازم را گردآوری و آنان را با خبر سازد. این خبر دادن یا با کنایه و اشاره به طور مستقیم بود. برای این کار فردی را انتخاب می کردند که باهوش، شجاع؛ مکار و زیرک باد. ربیعہ بن مقوم در این باره در شعری می گوید: راهنما و جاسوس با اشاره، مکان قوم دشمن را نشان می داد. مردان قبیله با دریافت علامت آماده جنگ و یورش می شدند. چون راهنمایان به آنها علامتی داد جنگجویان سوار بر اسبان خود آماده جنگ شدند.

- در برخی از گزارشهای تاریخی بیان می شود زمانی که جنگ ها از نوع محاصره ای یا طولانی مدت بود اعراب به منظور مقابله با حمله دشمن از برخی موانع خاص استفاده می کردند. از جمله این موانع نوعی بوته خاردار بود که ضمن چسبیدن به پاهای اسب یا شتر جنگجویان حرکت آنان را کند می کرد عرب قبل از اسلام که اهمیت این موضوع را فهمیده بود از آن برای مسدود نمودن برخی از راه ها بر دشمن و کند کرد تحرکت آنها استفاده می کرد. نتیجه این جنگ ها عمدتاً در کسب غنائم خلاصه می شد (دردا که، ۱۹۹۸، ۶۷)

نوعی بوته خاردار

غنایم جنگ

- غنایمی که توسط جنگجویان به دست می آمد شامل زیورآلات کالاهای و برخی حیوانات چون اسب، گاو و گوسفند بود همچنین به اسارت گرفتن دختران، زنان و مردان و بر جای گذاشتن تعدادی کشته و زخمی از دیگر نتایج و پیامدهای جنگ بود، غنایم جنگی بین جنگجویان اعم از سواره یا پیاده تقسیم می شد.



عمر فروخ، نویسنده و مترجم
لبنانی

• البته پس از این که رئیس قبیله سهم خود را از غنائم بر می داشت. اعراب برای شیخ قبیله که معمولاً فرماندهی جنگ را نیز بر عهده داشت، حقوق و امتیازاتی فاش بودند که از جمله آنان می توان به اهدای غنائم برگزیده و غیر قابل تقسیم و امتیازاتی قایل بودند که از جمله آنها می توان به اهدای غنائم برگزیده و غیر قابل تقسیم و همچنین یک چهارم غنائم به رئیس قبیله اشاره کرد؛ (فروخ، ۱۹۲۴: ۱۲۱) اما هر آنچه توسط فرد غارت شده بود به وی تعلق می گرفت. سوارکاران برای اسارت افراد مشهور چون سران قبایل و فرماندهان با هم رقابت می کردند. این امر شاید به خاطر طمع در خون بهای آزادی آنان بود. البته برخی از گزارشهای مربوط به مبلغ فدیة به نظر **مبالغه آمیز** است.

- به عنوان مثال بیان شده که «وبره بن رمانس» جان خود را در ازای پرداخت ۱۰۰۰۰ شتر از یزین بن صفق خرید. همچنین حبیش بن دلف با پرداخت ۴۰۰ شتر در جریان جنگ فرینین خود را از اسارت ابی براء رهایی بخشید. از جمله افراد دیگری که در این زمینه از آنان یاد شده است بسطام بن قیس شیبانی است که پس از اسارت در واقع غیط با پرداخت ۱۰۰۰ شتر و ۳ اسب به عتبه بن حارث بن شهاب یربوعی جان خود را از مرگ نجات بخشید (درداکه، ۱۹۹۸: ۲۹)

- البته علاقه به اسارت بزرگان عرب در جنگ ها متاثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی شبه جزیره بود در بیشتر مواقع نیز قبایل پیروز، اسیران را بدون دریافت هیچ فدیة ای آزاد می کردند. این مسئله به خاطر تفاخراتی بود که اعراب به آنها اهمیت می دادند.

برخی از فاتحان **موی سر شخص اسیر** را به خصوص اگر سوار کار بود، می تراشیدند تا دلالتی بر برتی ایان بر آن شخص باشد. اعراب این کار را انجام می دادند **تا درس عبرتی برای فرد اسیر باشد** که بار دیگر به جنگ شخص فاتح بر نگردد. یکی از شعرای عصر جاهلی در افتخار به آزادی اسرا و عدم تعرض به اسیران زن می نویسد: «چه تعداد اسیرانی که بدون دریافت فدیة آنها، آزاد کردیم و چه بسا موی سر کسانی را برداریم آنها بودیم سوی سر دلاورانشان را بردیم در حالی که فکر نمی کردند هیچگاه بریده شود» (ابن حبیب، ۱۴۰۵: ۲۶۷)

- در این گونه جنگ ها ترس و فرار و اسارت زنان از جمله اموری بودند که می توانست عرب بدوی را به شدت شرمنده کرده دستمایه دشمنان و شاعران برای تمسخر و تحقیر آنان گردد. به همین دلیل در هنگام جنگ زنان و دختران را در محل های غیر قابل دسترس و معمولا در عقبه سپاه قرار می دادند. چه بسا در پاره ای از موارد اسارت زنان، شاعران به نام آنان ترانه می سرودند و به اسارت زنان زیبا روی افتخار می کردند

در محل های غیر قابل دسترس و معمولا در عقبه سپاه

- اگر زنان اسیر جزء دختران و همسران سران قبایل بودند این مسئله از شدت بیشتری برخوردار بود همان گونه که در اشعار جاهلی آمده است : «زنانی چون عروسک، چشم درشت را به اسیری گرفتیم، دوشیزگانی که پاکدامن و دلاوران به واسطه ای آنان از قوم دیگر می گذرند چه بسا افرادی را که از قومتان کشتیم و زخمی نمودیم و زنانتان را به اسیری گرفتیم، زنانی سفید همچون پنجه آفتاب. در برخی موارد زنان اسیر کشته می شدند و گاهی نیز با پرداخت خون بها یا بدون فدیة آزاد می شدند(همان، ۲۶۵).

- ما تعداد مقتولان از دلایل اصلی استمرار جنگ ها نزد عرب بدوی بود. چرا که هر قبیله تلاش می کرد تا تعداد مقتولان قبیله اش از کشته شدگان قبیله دشمن بیشتر نباشد. به همین دلیل قبایل تمام تلاش خود را به کار می گرفتند تا تعداد کشته شدگان دو طرف به یک اندازه باشد. در غیر این صورت این مسئله می توانست موجب ننگ قبیله گردد و کار میانجی ها را جهت برقراری صلح با مشکل مواجهه می کرد. واسطه های صلح در چنین مواردی که تعداد مقتولان دو طرف یک اندازه نبودند، مجبور بودند خون بهای افراد مقتول را به قبیله ای که تعداد کشته شدگانش بیشتر بود، پرداخت کنند تا اختلاف و دشمنی را بر طرف سازند.

بهای افراد مقتول

- از مشهورترین واسطه های صلح که در اشعار جاهلی به آنان اشاره شده، می توان از هرم بن سنان و حارث بن عوف که در جنگ میان قبایل عبس و ذبیان و در جنگ داحس واسطه صلح گردیده، خون بهای بسیاری از مقتولان را پرداخت کرده اند، نام برد. شعرا در اشعارشان آنان را ستوده اند. زهیر بن ابی سلمی در این باره می گوید: « قسم به دو سرور و آقای که با تمام سختی ها و مشکلات به داد عبس و ذبیان رسیدند در حالی که میانشان خون جاری بود و آن دو عطر محبت و دوستی را افشانند» (الجدی، ۱۹۷۵، ۱۷۵)

جنگ میان قبایل عبس و ذبیان

پرچم و لوا

- قبایل عرب هر يك نماد و پرچمی مخصوص خود داشتند و به واسطه آن مشهور شده، بودند. آنان حفظ نماد را امری مقدس دانسته و اهتزاز پرچم را در هر شرایطی نشانه توانمندی قبیله می دانستند (لویری، ۱۳۶۷، ۱۵۱۰۵). نابغه ذبیانی می گوید: «و برای آنها لوایی است که به زمین نمی افتد مگر با مردن خود» (الجندی، ۱۹۷۵: ۱۷۵) عشیره های وابسته به قبیله قریش همواره بر سر سروری و اختصاص لواء و علم به خود رقابت داشتند. **آنان در دست داشتن علم را افتخار و نشانه آبرومندی و سروری خود می دانستند.**

- از نظر آنان آبرومندترین و پاکدامن ترین فرد قوم کسی بود که لواء قبیله را به دست می گرفت. اعراب حتی پس از ظهور اسلام نسبت به حفظ و اهتزاز پرچم تعصب ویژه ای داشتند که نمونه بارز آن را در سریه موته می توان مشاهده کرد. در صورت کشته شدن صاحب لواء در یمان جنگ اولین کار سایر جنگ جویان برداشتن پرچم و اهتزاز آن بود (ابن هشام، ۱۳۷۷، ۲۵۷-۸۵۶) در مورد تاریخچه ایجاد پرچم نزد اعراب اختلاف نظر وجود دارد. در حالی که گروهی بر این باورند که اعراب آن را از رومی ها اقتباس نموده اند. عده ای دیگر معتقدند که عرب ها آن را از ایرانیان تقلید نموده اند (ابن اثیر، ۱۹۶۵، ۱۵۲/۲)

برداشتن پرچم و اهتزاز آن

مخالفت با جنگ

- نکته قابل تامل در ارتباط با مسئله جنگ نزد اعراب بادیه نشین این است که در مقابل اشعار موجود در وصف قهرمانان جنگ و تفاخرات قومی و قبیله ای اشعاری وجود دارد که از جنگ به عنوان یک پدیده ویرانگر و نفرت انگیز یاد می کند. به عبارت دیگر همانگونه که اشعاری در مدح جنگ وجود دارد در مقابل اشعاری نیز در مذمت آن سروده شده است. بنابراین به نظر می رسد که جنگ همیشه مطلوب همه قبایل و افراد نبوده، بلکه آشوبی پرماجرا بوده که همانند نگاه مدعیان صلح در جهان امروز مخالفانی داشته است. زهیر بن سلمی می گوید:

- «و جنگ چیزی نیست جز آن که دانسته اید و ان را چشیده اید و سخن درباره آن چیز تازه ای نیست هر گاه از آن یاد می کنید با نفرت و بدی یاد می کنید و آن گاه که شعله ورش می کنید شعله وری شود پر رنج، پس با شما جنگی دندان به دندان می کند و آنگاه بچه های بدیمن و بداقبالی را به وجود می آورد و سپس بچه دار می شود و یتیم می گرداند» (قباوه، ۱۹۷۰، ۱۵-۱۴)

- بعضی اعراب می گویند: جنگ آشوب و بدیمن است چون افراد بی گناه را هدف قرار می دهد (دینوری، ۱۹۲۵: ۱۲۷/۱) کمیت در اشعارش می گوید: مردم هنگام جنگ پراکنده و فرقه فرقه هستند و عالمان به واسطه اذیت و آزار آن از جنگ فراری هستند. (ابن عبد ربّه، ۱۴۱۱: ۲۸/۱) از عمرو بن معد یکرب سوال شد: جنگ چگونه است؟ پاسخ داد: تلخ مزه است، هر کس در آن استقامت کند سرشناس و هر کس در آن از خود ضعف نشان دهد نابود می شود، این سخن ها مانند سروده شاعر است که چون لنگان شده و زشتی آن آشکار گردید دوباره پیر و بدون برگشت، زشت و سفید موی، نقاب زننده و برای بوسیدن و بوئیدن چه چیزی بدی است» (مسعودی، ۱۹۶۴: ۳۳۴/۲)

- قیس بن زهیر احساسات و دیدگاهش را نسبت به جنگ های قبیله اش عبس با ذبیان این گونه تصویر می کشد: « ای قبیله بنی بغیض به صلح روی آورید و ما را مسخره دشمنی قرار ندهید و دوستی و مودت را بر هم نزنید» و در این باره قیس بن الاسلت می گوید: «و جنگ چون غولی صاحب درد چهره ای زرد و بیمارگونه دارد» (ابوعبیده، ۱۴۰۷: ۲۳۲) اعراب به منظور توقف جنگ ها از شیوه های مختلفی استفاده می کردند. به عنوان مثال آنان توانستند با استفاده از حرمت ماه های حرام برای مدتی از سال جنگ را تحریم کند.

- این تحریم اگر چه در ابتدا فقط شامل یک ماه بود اما به تدریج به چهار ماه در سال افزایش یافت. اعراب از این فرصت برای برپایی بازارهای همگانی به منظور مبادله‌ی کالا و تبادل افکار استفاده کردند (عون، ۱۹۶۱: ۶۴) به دنبال بعثت رسول خدا (ص)، اسلام حکم تحریم جنگ های اعراب در ماه های حرام را تایید و آن را واجب ساخت و هر گونه تلاش در جهت جابه جایی و تاخیر آن را حرام اعلام کرد. این حکم در پاسخ به تلاشی بود از سوی برخی از اعراب جهت جابه جایی ماه های حرام خداوند متعادل در این باره می فرماید: «افزایشی در کفر است که کافران گمراه می شوند» (توبه، ۳۷)

- پیامبر اکرم (ص) در سیره نظامی خویش بر حرمت جنگ در ماه های حرام تاکید فراوان داشت که از مصادیق آن می توان به موضع گیری ایشان در قبال جنگ عبدالله بن جحش در نخله اشاره کرد. پیامبر (ص) به خاطر وقوع این جنگ در ماه های حرام ناراحت و خشمگین شدند. (ابن هشام، ۱۳۸۷، ۵۳۲)

حرمت جنگ در ماه های حرام

نتیجه

- بر اساس آنچه در متن پژوهش به آن اشاره شد می توان نتیجه گرفت که شناخت ساختار اجتماعی و فرهنگی جزیره العرب پیش از اسلام مستلزم بررسی مفاهیمی است که بازگوکننده ی ساز و کار اجتماعی و فرهنگی قبیله است. با توجه به این که ایام العرب تنها یکی از نمونه ها و الگوهای رفتاری بر آمده از جاهلیت است، بررسی این مفهوم می تواند گوشه ای از جهان ذهنی و عینی عرب جاهلی را بر ما آشکار سازد

شناخت ساختار اجتماعی و فرهنگی جزیره
العرب پیش از اسلام

- بررسی و تحلیل ایام العرب ها نشان می دهد که جنگ به عنوان نمودی کامل از اوضاع و شرایط موجودی طبیعی فرهنگی و اجتماعی شبه جزیره عربستان مشخصه اصلی زندگی اعراب جاهلی را تشکیل می داده است. فقر منابع اقتصادی و ساختار قبیله ای در کنار پیآمدهای این نظام چون تفاخرات قومی و تعصبات قبیله ای و همچنین فقدان یک قانون مسلط، باعث می شد بخش عمده ای از زندگی عرب بدوی در جنگ و ستیز سپری گردد. این جنگ ها هر چند زندگی اعراب را با مشکلاتی همراه می ساخت اما آنان شجاعت، جوانمردی و درنهایت سعادت خود را در آن جستجو می کردند.

شرایط موجودی طبیعی فرهنگی و اجتماعی

- به گونه ای که کشته شدن در میدان جنگ و تبدیل شدن به قهرمان داستان های حماسی نهایت آرزوی ایشان بود. نکته قابل توجه آنکه گرچه بسیاری از این جنگ ها به منظور تحقق اهداف اقتصادی و متناسب با چهارچوب سنت های قبیله ای بود، اما با توجه به تکرار و تعدد جنگ های عرب بادیه نشین و مضمون برخی از اشعار به نظر می رسد از دیدگاه آنان این جنگ ها نه تنها نوعی راهزنی و دزدی به حساب نمی آمد، بلکه نوعی ورزش محبوب به شمار می رفت که در آن قهرمانان قبیله از جایگاه والایی برخوردار بودند.

متناسب با چهارچوب سنت های قبیله ای

- هر چند این جنگ ها به لحاظ شدت و اهمیت متفاوت بودند اما همگی ویژگی مسابهی داشتند دمیدن روح فخر و انتقام در کالبد قبیله در واقع این جنگ ها مهم ترین شاخص عهد جاهلیت بود که نه تنها در تار و پود اجتماع بلکه در لایه های ذهنی شاعران جاهلی ریشه دوانید و در اشعار آنها با صبغه حب و بغض، عصبیت، کینه و تفاخر به نگارش درآمد. به نظر می رسد مطالعه تاریخ شبه جزیره پیش از ظهور اسلام و حتی پس از بعثت پیامبر(ص) بدون توجه به مسئله رقابت های قبیله ای و جنگ میان آنان مطالعه ای کامل نخواهد بود. زیرا فهم بسیاری از تحولات در گرو فهم مناسبات و نزاع های قبیله ای است که تحت عنوان ایام العرب از آنها یاد می شود.